

”

سال ۸۷ که
برای خرید
بذر به آلمان
رفته بودم به
این موضوع
اعتراض کردم.
گفتم که «

چرا به ما یک
سیب‌زمینی
نمی‌دهید که
چند سال از آن
بذر برداریم؟»
گفت که «ما
دیوانه نیستیم
که به شما یک
سیب‌زمینی‌ای
بدهیم که
بروید و ۴ سال
سراغ ما را
نگیرید.»

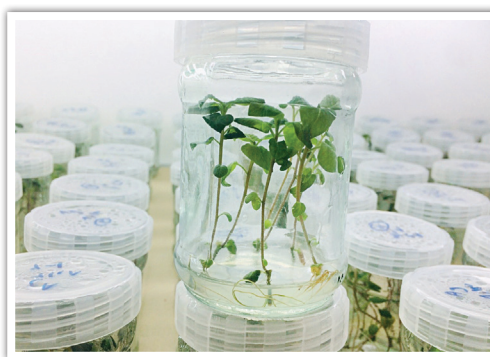
کردند که پای کار باشند. می‌دانستم که کار بسیار سخت و سرمایه‌بری است. مجمعی تشکیل دادم و گفتم که «من کارهایی را آن‌جا انجام خواهم داد که مستلزم صرف هزینه و سرمایه‌است. حلال‌مکن است جواب دهد یا نه» مطمئن بودم که اهل ریسک در این کار نیستند و ممکن است سرعت کار را کم کند. خودم را به خوبی می‌شناختم و باید به هدفم می‌رسیدم. پیشنهاد دادم تا از هم جدا شویم. سال ۸۸ از شرکت جدا شدم و شرکت به‌پرور سیلان را تاسیس کردم.

مشاوران هلندی

داماد آقای عسگرولادی از دوستانم بود. وقتی فهمید که قصد چنین کاری را دارم طرحی را به من پیشنهاد داد. دولت هلند برای افرادی که مصمم به شروع فعالیتی داشتند، کارشناس و خدمات مشاوره‌ای رایگان می‌داد. کارشناسان‌شان هم افراد باسواد و با تجربه‌ای بودند. رفتم سفارت هلند و درخواستم یعنی تولید بذر سیب‌زمینی را به آنها دادم. بعد از ۱۰ روز سه نفر را به عنوان کارشناس به من معرفی کردند تا یکی را انتخاب کنم. رزومه هر سه تا را بررسی کردم و آقای ونلن را انتخاب کردم. تمامی حقوق آقای ونلن را دولت هلند می‌داد و تنها مخارج اسکان و خورد و خوراکشان با من بود.

بهترین جای دنیا برای تولید بذر سیب‌زمینی

آقای ونلن به ایران آمد. یک ماه تمام امان من را برید. صبح زود می‌زدیم به دشت تا آخر شب. تمامی مناطق را بازدید کرد و یادداشت برداشت. در میان این بازدیدها راهنمایی‌هایی را هم به من می‌داد. زمان خدمت در نیروی انتظامی، رسته‌ام اطلاعات بود. متوجه شدم که در ظاهر ایشان برای کمک به ما آمده ولی در واقع ماموریت دیگری دارد. موقع بازگشتش به هلند سه دفترچه ۱۰۰ برگ دیتا همراه خودش برد. همین که کارها را تمام شد، جلسه‌ای ترتیب دادم و کارمندان جهاد کشاورزی را دعوت کردم. در آن جلسه دکتر حسین زاده آقای ونلن را به محض دیدن شناخت. گفت «ایشان، در آمریکا رئیس یک سمیناری بود. ما را هم دعوت کرده بودند. مدیریت سمینار بر عهده‌ی او بود. تعجب می‌کنم که این‌طور شده ایران آمده است.» آقای ونلن در آن جلسه عنوان کرد که «بهترین جا در دنیا برای تولید بذر سیب‌زمینی اردبیل است.»



زمین داشتیم. شرکت دشت زرین اردبیل را ثبت کردیم و با جذب سرمایه و سهام کردن افراد مختلف شروع به کاشت سیب‌زمینی و گندم کردیم. بذر سیب‌زمینی را از آلمان و هلند وارد می‌کردیم. بعد از چند سال تجربه متوجه شدم که بذره‌های درجه پایین به ما می‌دهند. بذر سیب‌زمینی درجه بندی دارد اولی مینی تیوپر است. بعدش می‌شود سوپر الیت، الیت، گواهی شده، A+B با این ردیف تا به C برسد.

مواجهه با شرکت آلمانی

سال ۸۷ که برای خرید بذر به آلمان رفته بودم به این موضوع اعتراض کردم. گفتم که «چرا به ما یک سیب‌زمینی نمی‌دهید که چند سال از آن بذر برداریم؟» گفت که «ما دیوانه نیستیم که به شما یک سیب‌زمینی‌ای بدهیم که بروید و ۴ سال سراغ ما را نگیرید.» این حرف آلمانی‌ها خیلی به من برخورد، طوری که تا مدت‌ها سر این موضوع ناراحت بودم. تصمیم گرفتم تا خودم وارد مرحله تولید بذر سیب‌زمینی بشوم. با پاریس و جوهای زیاد به دکتر پژوهنده که در مرکز تحقیقات کشاورزی اردبیل مشغول بودند رسیدم. ایشان هم از موضوع استقبال کردند. مدتی بود که کار را شروع کرده بودم. هیئت مدیره‌ی شرکت دشت زرین هم اعلام آمادگی



”

زمان خدمت در
نیروی انتظامی،
رسته‌ام
اطلاعات بود.
متوجه شدم
که در ظاهر
ایشان برای
کمک به ما
آمده ولی در
واقع ماموریت
دیگری
دارد. موقع
بازگشتش
به هلند سه
دفترچه ۱۰۰
برگ دیتا همراه
خودش برد